

## ضمیمه رهبر در زنبیل

امیر فیض- حقوقدان

در تحریر «رهبر در زنبیل» در پایان، برداشتی تقدیم شده بود که گویای انگیزه آقای سیاوش آذری از شرکت در شورای باصلاح ملی است.

تحریر مزبور قبل از آگاهی از ایمیل های بیشتری بود که بین جاوید ایران و ایشان رد و بدل شده که انتشار آنها از سوی جاوید ایران، ضمیمه حاضر را موجب می‌گردد.

برداشت از نوشته که به معنای تشخیص و نظر است دونوع میباشد یکی تشخیص سطحی ویا نظری و دیگری تشخیص تحقیقی است. تشخیص تحقیقی آنست که باتوجه به دلایل ومدارک وشواهد از طریق استنباط محقق ویانویسنده بدست می‌آید.

لازمه اصالت نسبی چنین تحقیقی این است که اگر بعد از تشخیص و برداشت، محقق به مدارکی رسید که تشخیص را ضعیف ویابه آن استحکام بیشتر میدهد ویابا اعتراضاتی مواجه شد تجدید نظر در تشخیص را لازم بداند.

بنابرامراتب بالا نظریه اینکه ایمیل های آقای آذری علت امضای منشور شورا حضور در جلسات به معنای کسب خبر بعلاوه مراتب دیگر عنوان کرده، لذا شایسته است که موارد ادعا شده از جانب ایشان ورد ویاتانید آن هم مورد بحث وفحص قرارگیرد.

ادعای ایشان به اینکه؛ <تصور من این است که حداقل یک روزنامه نگار در متن و بطن این جریان حضور داشته باشد و به بینه چه خبر است و چه برنامه ای قرار است اجرا شود که آنرا به آگاهی برسانم،

—بر اساس شغل وحرفه روزنامه نگاری ام این است که به محافل ومجامع ولو مخالف بروم به بینم چه خبر است واطلاعات کسب کنم.

— شما تصور میکنید که باسالتها مبارزه زیربار تجزیه وطنم بروم ویابه چنین خفتی تن بدهم ویامملکت رابفروشم>

### شنیدنی است ولی پاسخ آنهم گفتنی است

۱- ادعای اینکه حداقل یک روزنامه نگار در متن و بطن جریان حضور داشته باشد واهی است، شورا هیچ محدودیتی برای حضور روزنامه نگاران قائل نشده است وحتی آقای پیرزاده گفت که شفافیت، اصل ورعایت آن تکلیف شورا و ماست، و اشاره ای هم داشتند به اینکه جریان مذاکرات وخبرها مرتبا بوسیله دستگاهای فنی مدرن برای آگاهی وملاحظه عموم پخش میگردد، و اعلیحضرت هم به شفافیت موضوع تاکید فرموده اند! حتی در جلسات شورا شخصیت های فرانسوی واحتمالا آمریکائی هم حضور خواهند داشت بنابراین، اینکه فقط یک روزنامه نگار آنهم آقای آذری باشد ادعای جامعی نیست.

۲- حضور در اجلاس شورای باصطلاح ملی! برای آقای سیاوش آذری به عنوان خبرنگار و روزنامه نگار که در عین حال برنامه ساز رادیو و تلویزیون هم هست و ممکن است در ردیف برنامه ساز و خبرنگاران شناخته شده جای داشته باشند، نیازی به امضای منشور شورا را ندارد، حق خبرنگار و روزنامه نگار آنهم ایرانی، برای حضور و کسب خبر در یک شورائی که بنام ملی ایران تشکیل شده و برای مسائل سیاسی ایران تصمیم میگیرد، یک حق مسلم آزادی مطبوعات است که به هیچوجه شامل الزاماتی مانند تائید ماده ۱۱ منشور نیست. ایرانی ها از پشت کوه نیامده اند که این مراتب معمول راندانند.

ممکنست یک جاسوس برای حضور در یک جمع لازم داشته باشد که هم رنگ جماعت بشود، و حتی کمک مالی سنگینی هم بکند ولی این برنامه ها برای یک خبرنگار و روزنامه نویس آنهم باموقعیت آقای سیاوش آذری ابداع و هیچگاه نه مطرح است و نه شنیدنی، و تصور نمیکنم که هیچ خبرنگار دست چندی حاضر باشد برای موقعیت خبرنگاری و روزنامه نگاری خود چنین خفتی قائل بشود، اساسا کسب خبر از یک اجتماع در کشورهای دمکرات چه نیازی به عضو شدن آن جماعت را دارد.

اصطلاح معروف <فلان به شقیقه چه مربوط است> پاسخ بهانه ایشان است.

۳- هیچکس نگفته است که امضای ماده ۱۱ منشور سبب تجزیه کشور میشود، بلکه گفته شده و میشود که امضای ماده ۱۱ منشور، زمینه ساز و فراهم و تسهیل کننده امر تجزیه کشور خواهد بود و حضراتی که منشور و ماده ۱۱ آنرا امضا کرده اند از هم اکنون به برنامه تجزیه ایران رای موافق داده اند.

آیا آقای آذری باور ندارد که امضای ماده ۱۱ بوسیله ایرانیان و همین آقای آذری سندی خواهد بود که مورد استفاده تجزیه طلبان ایران قرار خواهد گرفت؟ آیا باور ندارند و نمیفهمند که امضای اعلیحضرت و علیاحضرت و همسر آذربایجانی اعلیحضرت چه اعتباری به آن سند برای استفاده تجزیه طلبان خواهد داد؟ آیا آقای سیاوش آذری این ملاحظات بین [روشن و آشکار] راتاکنون باطلاع همگان رسانیده اند؟ که اکنون بهانه امضای این سند خطر ناک را آگاهی دادن به مردم عنوان میکنند؟ (دم خروس و قسم حضرت عباس)

۴- کسی نمیگوید که <شما با امضای منشور مملکت را خواهید فروخت> شما هیچ ایرانی در آن مقام نیست که کشور را بفروشد گفته شده و میشود که امضای منشور و ماده ۱۱ آن زمینه ساز تجزیه کشور است بین فروش مملکت و باز زمینه سازی برای تجزیه کشور تفاوت است، ولی همانطور که بین امضای منشور و فروش کشور تفاوت است بین امضای منشور و تجزیه کشور تلفیق و نزدیکی در حد پیوستگی است.

۵- آقای آذری در ایمیل خودشان نوشته اند <شخصا معتقدم به علت تغییر اوضاع و احوال روز بهر حال کار را باید از یک جا شروع کرد و نمیتوان هر که مخالفت بود به دریا ریخت (تولرانس) و تحمل عقیده دیگران یعنی همین>

ماهیت این اظهار آقای آذری که بعد از اظهارات و بهانه های ایشان برای کسب خبر اعلام شده گویای آن است که ایشان نان را بنرخ روز میل میفرمایند، و اگر شورای به اصطلاح ملی! تحت حمایت مادی و سیاسی خارجی ها فعال است، و اگر اصرار و سماجت عجیب در حفظ ماده ۱۱ در منشور است برای رعایت اوضاع و احوال روز است، نایبغه فرصت طلبی یعنی همین.

ادعای آقای آذری مبنی بر رعایت اوضاع و احوال روز، ناسخ همه آن معاذیری است که برای کسب خبر عنوان کرده اند و علت امضای منشور برمیگردد به همان نان رابنرخ روز خوردن.

یکی از حکما عبارتی دارد که به آقای سیاوش آذری یادگار میشود

**<به زبان دیگر مگو وبه دل، دیگرمدار تا گندم نمای جو فروش نباشی>**

کسی نگفته است که مخالف راباید به دریاریخت ولی آنچه قانون میگوید و آقای آذری هم خوب میدانند این است؛ آنکه برای تجزیه کشور و یا همکاری با دشمن فعالیت کند خائن است مجازات خائن هم بامردم نیست، ولی همکاری نکردن با خائن و تجزیه طلبان وبه زبان ساده امضا ندادن به تجزیه ایران تکلیف ایرانی است.

### **خطاب به آقای سیاوش آذری**

آقای آذری ضایعات و تاثير نامطلوب امضای حضرتعالی پای منشورشورا هزاران برابر از منفعتی که ممکن است از خبرهائی که شما احتمالا ازشورا خواهید داد بیشتر است. تصمیم باشما و نگرانی ازماست.

امید وار بود آدمی به خیرکسان      مرابه خیرتو امید نیست شرمرسان